

نقش روزنامه‌نگاری فارسی هندوستان در شکل‌گیری روزنامه‌نگاری ایران

مه‌ری رفعتی^۱، مراد مرادف^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۸، تاریخ تایید: ۹۸/۸/۱۸

چکیده

نقش و نفوذ انتشار روزنامه‌ها در شرق توانسته است در نوع محتوا و اندیشه‌های حاکم بر روزنامه‌نویسی در ایران تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بگذارد. این پژوهش میزان نقش و تأثیرگذاری روزنامه‌نگاری فارسی در شرق با تأکید بر روزنامه‌نگاری هند را بر روزنامه‌های ایران مورد بررسی قرار می‌دهد. در این پژوهش با استفاده از بررسی در محتوای متن به روش عرفی در روزنامه «حبل‌المتین» کلکته و چند شماره موجود «احسن‌الاکابر» و مقایسه آن با نشریات «وقایع اتفاقیه» و «صور اسرافیل» به بررسی تشابهات محتوایی و شکلی این نشریات پرداخته است. نتیجه این بررسی در دو قالب از نظر محتوا، نوع نگرش و سبک مطالب آنها و دیگری از نظر شکل ظاهر و چینش مطالب تحلیل می‌شود.

از نظر محتوا؛ اهمیت دادن به واقعه‌نگاری و خبری بودن مطالب روزنامه‌ها شبیه به یکدیگر است به گونه‌ای که در متون آنها تنها سرمقاله‌ها پویا و جذاب بودند. افق دید روزنامه‌های تحت مطالعه محدود، فاقد حس تحقیق و از روندها غافل بودند. گرایش به نوشتار انتقادی در نشریه صوراسرافیل از لحن سرمقاله‌های انتقادی و تند «حبل‌المتین» نشأت گرفته بود. از نظر شکل ظاهر مشابهت‌هایی نظیر استفاده از خط نستعلیق، سرلوحه‌ها و صفحه آرایی مشابه در روزنامه‌ها با چینش ستون‌ها و تقسیم بندی مطالب دیده شد. هر چند اغلب پژوهشگران ایرانی معتقد به تقلیدی بودن روزنامه‌نگاری ایران از غرب هستند، اما این پژوهش نشان داد که لحن نوشتاری و حتی شکل ظاهر روزنامه‌های ایران تا حد زیادی برگرفته از روزنامه‌نگاری شرق است.

واژه‌های کلیدی: روزنامه‌نگاری ایران، حبل‌المتین، صور اسرافیل، وقایع اتفاقیه، روزنامه‌نگاری هند.

۱ روزنامه نگار و مدرس روزنامه‌نگاری (Merafati@gmail.com).

۲ عضو هیأت علمی دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه ملی تاجیکستان (Murodi-65@mail.ru).

مقدمه

پیدایی و شکل‌گیری مطبوعات در ایران بر اساس یک نظریه قوی از گذشته تاکنون مبتنی بر تحت تأثیر و وارداتی بودن آن از غرب بوده و گفته می‌شود که تقلید تجربه غرب در انتقال از روزنامه‌نگاری دولتی به تجاری در ایران به این رسانه هویتی نامشخص داده است.

محمد محیط طباطبایی می‌نویسد: «مطبوعات مشتمل بر روزنامه، جریده، مجله، صحیفه و ماهنامه بدون شک از ره آورد تمدن و فرهنگ اروپاست که از دوره قاجاریه در ایران رواج یافت» (محیط طباطبایی، ۱۳۷۵). این دیدگاه به دلیل ورود روزنامه و مجله‌های اروپای در زمان شاه عباس اول توسط تجار، دانشجویان و سیاسیون برای اولین بار به ایران شکل گرفت. محمد اسماعیل رضوانی پیرامون این ورود تقلیدی می‌نویسد: «آنچه مسلم است توده مردم با اروپاییان هیچ گونه ارتباطی نداشتند و ممکن است دولتمردان دربار صفوی اطلاعاتی به دست آورنده باشند. در زمان فتحعلی‌شاه، ایران که مورد توجه سه قدرت دنیای آن روز یعنی فرانسه، انگلیس و روس بود، موضوع روزنامه‌های جهان آن روز شده بود و جلوه‌های گوناگون زندگی ایرانیان در صفحات جراید انعکاس می‌یافت» (رضوانی، ۱۳۷۲).

در تحلیل این موضوع باید گفت در اسناد تاریخی نشانی از عکس‌العمل دربار در برابر نوشته‌های جراید اروپایی وجود ندارد، اما جهانگیر قائم مقام می‌نویسد: «شواهدی در دست است که عباس میرزا نسبت به انتقادات روزنامه‌های آن عصر در نام‌های به برادرش خلل السلطنه بعد از واقعه کرمان می‌نویسد:... هیچ نقص خود نمی‌دانم اما طاقت آن ندارم که همین اوضاع مسئله کرمان را تصور کنم، در گارت‌های روم و روس و فرنگ بنویسند» (قائم‌مقامی، ۱۳۳۷).

نقطه قابل تأمل این پژوهش اینجاست که در جریان پیدایش مطبوعات در ایران هم‌زمان در کشورهای چون هند، ترکیه، مصر و قفقاز پیدایی روزنامه‌های فارسی‌زبان که گاه همان تأثیرات روزنامه‌نگاری غرب را در خود داشتند و گاه پیشروتر و روشنفکرانه‌تر مشاهده شده است.

فریدون آدمیت در رابطه با نخستین روزنامه فارسی در جهان می‌نویسد: «این روزنامه را یکی از اندیشمندان هند به نام رام مهان روی^۱ در هندوستان به چاپ رساند و انتشار این روزنامه فارسی‌زبان هند با عنوان «مرآت الاخبار» در سال ۱۳۲۴ هـ. ق صورت گرفته که بر تاریخ ظهور روزنامه کاغذ اخبار میرزا صالح شیرازی قریب سی سال تقدم زمانی دارد یکی دو شماره از این روزنامه انتشار یافت و به ایران هم آمد، اما اثری از آن در دست نیست دلیل رواج این روزنامه

^۱ Rommohanroy

در هند آن بود که در آغاز قرن سیزدهم هجری یا نوزدهم میلادی زبان فارسی، زبان رسمی هند بود» (آدمیت، ۱۳۵۵).

روزنامه‌نگاری فارسی در هندوستان نیز اغلب خبررسانی درباری بود و ورود این شکل از روزنامه‌نگاری به ایران منجر شد تا ضمن تحکیم روزنامه‌نگاری دولتی گام‌های روزنامه‌نگاری ایران به سمت روزنامه‌نگاری آزاد پیش نرود و رکن چهارم در این کشور شکل نگیرد. این پژوهش با هدف کلی شناخت نقش روزنامه‌نگاری فارسی در هند بر محتوای روزنامه‌نگاری در ایران صورت گرفته است برای رسیدن به این هدف بایستی به چند سؤال اساسی از جمله مشخصات و وضعیت اولین روزنامه‌های فارسی در هندوستان، عوامل ورود و تأثیر محتوایی روزنامه‌های فارسی‌زبان هندوستان در روزنامه‌نگاری ایران، چگونگی صفحه‌آرایی و چینش مطالب و شباهت‌های بین این دو نوع روزنامه‌نگاری، تحقیق و تحلیل در روزنامه‌های هندوستان و مقایسه آن با روزنامه‌های ایران، پاسخ داده می‌شد.

پیشینه مطالعات روزنامه‌نگاری فارسی در هند

از جمله این مطالعات در بین دانشمندان غربی می‌توان به پژوهش‌های ادوارد گرانویل براون خاورشناس و ایران‌شناس مشهور بریتانیایی اشاره کرد او در کتاب «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطه» در بررسی روزنامه‌های منتشره به زبان فارسی در هند می‌نویسد: «علی‌رغم وجود روزنامه‌های اردو زبان همچنان شعر و مطالب کوتاه در زمینه‌های ادبی و تاریخی به زبان فارسی به چاپ می‌رسید و انتشار کتاب به زبان فارسی رواج داشت» (براون، ۱۳۳۷). در بین دانشمندان شرقی اسلم صدیقی (Sidiqi:1947)، یکی دیگر از پژوهشگران در کشور هندوستان در کتاب‌ها و مقالات متعدد خود مانند «اولین نشریه اردو در هندوستان» و «مطبوعات فارسی هندوستان» مواردی از مطالب «مرآت‌الخبار» و «جام جهان‌نما» را مورد بررسی قرار می‌دهد.

همچنین سیمی نقمانا طاهر و منیراحمد بلوچ (۲۰۰۹) در یک پژوهش علمی تحت عنوان «جنگ استقلال ۱۸۵۷ و نقش روزنامه‌های اردو و فارسی» به وضعیت روزنامه‌نگاری فارسی و اردو و نقش آن در استقلال هند پرداخته‌اند در این تحقیق آنان با بررسی سیر تاریخی مطبوعات اردو و فارسی‌زبان در هند، برای نقش و اهمیت راهبری و بیدار سازی این نشریات در رویدادهای سیاسی اجتماعی ارزش بیشتری قایل شده‌اند.

اخلاق احمد آهن، یکی از اساتید گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جواهر لعل نهرو هندوستان به روایت تاریخ روزنامه‌نگاری در هندوستان پرداخته است (Ahan, 2008). او در

فصول اولیه کتاب خود مدعی می‌شود که اولین روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها در هندوستان به زبان فارسی بوده است. در فصل اول و دوم کتاب به نشانه‌های آغازین روزنامه‌نگاری فارسی در هند می‌پردازد که از دوره حکومت مغولان و پس از آن هم‌زمان با دوره شاه جهانی و رواج شیوه واقعه‌نگاری روزنامه در دربار هند پرداخته و همچنین به سیر تحول تاریخ روزنامه‌نگاری فارسی بین سال‌های ۱۸۲۳ میلادی تا ۱۸۵۷ میلادی می‌پردازد.

در بین محققان ایرانی برخی با نگاه سیر تاریخ روزنامه‌نگاری فارسی در هند به این موضوع پرداختند؛ افرادی چون عبدالحسین توکلی طرقي در بررسی تاریخی مطبوعات فارسی در هند با نگاه تاریخی به سیر مطبوعات در تحقیقات خود سه عامل نفوذ سنتی زبان فارسی، پیشرفت صنعت چاپ و توسعه اقتصادی و سیاسی هندوستان در دوران سلطه انگلیسی‌ها را در گسترش مطبوعات فارسی در هندوستان مؤثر می‌داند (توکلی طرقي، ۱۳۸۳) و یا محمد گلبن پژوهشگر تاریخ مطبوعات در بررسی مطبوعات و نقش آنها در حرکت‌های اجتماعی به موضوع «حبل‌المتین» و زمینه‌های مشروطیت در ایران می‌پردازد و فعالیت «حبل‌المتین» کلکته را به چهار دوره از سال اول تأسیس تا سال ششم و دیگری از سال ششم تا سال دوازدهم و بعدی از سال دوازدهم تا آغاز مشروطیت و دوره آخر از آغاز مشروطیت تا چهار سال پس از امضای فرمان مشروطه؛ قابل تقسیم می‌داند (ناصری، ۱۳۸۸).

محقق دیگری که به نشریات فارسی‌زبان در هند پرداخت علی ططری است او در یک بررسی متفاوت از سایر پژوهشگران با استفاده از متن‌های نشریه «حبل‌المتین» به توصیف آن پرداخته است و در مقاله‌ای با عنوان سندی نویافته از موید الاسلام؛ مدیر «حبل‌المتین» کلکته می‌نویسد: «این نشریه با درج مقالات جذاب، خواندنی، قلم تند و بی‌پروا روی خوانندگانش به‌ویژه در جامعه ایران تأثیر فراوانی گذاشته است و او دلیل پیوستگی چاپ این نشریه را همین تأثیرگذاری می‌داند» (ططری، ۱۳۸۸).

هادی خانیکی با داشتن نظر و عقیده‌ای مشخص در این زمینه با رویکردی نزدیک‌تر به موضوع این پژوهش معتقد است برای شکل‌گیری روزنامه‌نگاری در ایران دو نظریه وجود دارد که اولی معتقد به تقلیدی بودن آن از غرب است، اما نظریه دوم مبتنی بر این امر است که اساس روزنامه‌نگاری فارسی در هند شکل گرفته است. بنابراین روزنامه‌نگاری در ایران را باید تحت تأثیر روند پیدایش روزنامه‌نگاری در هند مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. البته این روزنامه‌نگاری را همان‌طور که ناصر الدین پروین اشاره کرده است، نمی‌توان مستقل از پیشرفت‌های مدنی در غرب نیز دانست. اما منشأ نخستین این روزنامه‌نگاری تحول ساختارهای

سنتی قدرت است. به عبارت دیگر، این روزنامه‌نگاری به جای آنکه امتداد روزنامه‌نگاری غربی باشد، شکل تغییر یافته آن است. او عقیده دارد روزنامه‌نگاری فارسی هند شکل تحول یافته وقایع‌نگاری حکومتی «اخبارنویسی درباری» است که در شمار بقیه مظاهر تمدن ایرانی به هند رفته است. او از قول دکتر کاظم معتمد نژاد در تبیین نظریه اول، بر این باور است که ایران به دلیل پس‌افتادگی فرهنگی و سیاسی، به جای آنکه تحت تأثیر دوره دوم روزنامه‌نگاری غربی، یعنی انتشار مطبوعات آزاد و انتقادی باشد، به مطبوعات دوره اول غرب، یعنی دولتی و استبدادی روی آورد و این مسیر را به صورت معیوب و ناقص طی کرد. منشأ حکومتی و دولتی در تأسیس روزنامه‌نگاری در ایران این تفکر را شکل داد که گویا روزنامه‌نگاری، همان اخبارنویسی یا وقایع‌نویسی حکومتی است. او نتیجه می‌گیرد از بدو شکل‌گیری روزنامه‌نگاری در ایران، آنچه را می‌توان موجب شکل نگرفتن مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی دانست، داشتن منشأ حکومتی در تأسیس مطبوعات و یا فهم و تعریف روزنامه‌نگاری به عنوان وقایع‌نویسی درباری است و جایی برای مطبوعات آزاد و مستقل و به تعبیری رکن چهارم دموکراسی در این موقعیت نمی‌توانست شکل گیرد (خانیک، ۱۳۹۰).

به غیر از موارد یادشده در بین محققان ایرانی، ناصرالدین پروین، جعفری خانقاه، محمد صدر هاشمی، حسینی پاکدهی و... همانند پژوهشگران و محققان برجسته تاریخ مطبوعات ایران که از آنها یاد شد، هریک به فرا خور موضوع تحقیق مورد نظر خود به بررسی روزنامه‌نگاری فارسی در هندوستان پرداختند و تلاش کردند نقاط مبهم و تاریک این سبک روزنامه‌نگاری را روشن سازند. این پژوهشگران و قلم به دستان علم روزنامه‌نگاری در مجموع به این نکته اشاره دارند که روزنامه‌نگاری فارسی هند شکل تحول یافته وقایع‌نگاری حکومتی است که در شمار بقیه مظاهر تمدن ایرانی به هند رفته است و در مقابل روزنامه‌نگاری در ایران نیز در دوره‌ای به وقایع‌نگاری و زبان به کار رفته در روزنامه‌نگاری هند روی آورد و در این داد و ستد به نوعی شکل و محتوای مطبوعات در ایران گرفته شده از روزنامه‌نگاری در شرق به ویژه هندوستان بود.

ادبیات نظری پژوهش

مبنای نظری این پژوهش یکی از رایج‌ترین نظریه‌ها در زمینه رویکردها در مطالعه اثرات رسانه‌ها با عنوان برجسته‌سازی^۱ است. این به معنی اولویت‌گذاری بر برنامه یا موضوعی خاص

^۱ Agenda setting

اطلاق می‌شود؛ اما اصطلاحاً می‌توان گفت: «برجسته‌سازی یعنی این اندیشه که رسانه‌های خبری با ارائه خبرها، موضوع‌هایی را که مردم درباره آنها می‌اندیشند، تعیین می‌کنند» (شاگری، ۱۳۸۴). همچنین گفته شده: «ممکن است در اغلب اوقات، مطبوعات موفق نشوند به اشخاص بگویند چگونه فکر کنند؛ اما با تأثیر فوق‌العاده‌ای که بر آنها دارند، می‌توانند بگویند به چه چیز باید فکر کنند» (لازارسفلد، ۱۳۸۲).

براساس این نظریه ارزش‌گذاری رسانه‌ها به یک موضوع یا یک رویداد و انعکاس آن به وسیله نشر آن در وسایل ارتباط جمعی منجر به برجستگی همان رویداد یا موضوع در اذهان مردم می‌شود و به این وسیله، فرستندگان پیام می‌توانند تأثیر مورد نظر را بر مخاطب بگذارند هر چند این نظریه در حوزه مخاطب‌شناسی بیشترین کاربرد را دارد، اما از این نظریه می‌توان در تجزیه و تحلیل سایر اجزای اساسی فرایند ارتباط (رسانه و محتوا) نیز استفاده کرد. در تعریف از برجسته‌سازی آمده است: «برجسته‌سازی فراگردی است که طی آن، رسانه‌های جمعی، اهمیت نسبی موضوعات مختلف را به مخاطب انتقال می‌دهند. به لحاظ رسانه‌ای، برجسته‌سازی فرآیندی است که طی آن رسانه‌ها سعی می‌کنند تا بر ذهنیت مخاطبان به نحو دلخواه تأثیرگذارند و افکار عمومی‌را به جهت مورد نظر سوق دهند و این امر با دروازه‌بانی و رده‌بندی اهمیت رویدادها، عملی می‌شود. در واقع در این فرآیند، اولویت‌های رسانه، میزان هر نوع رویداد را در بخش‌های خبری مشخص می‌سازند. به لحاظ محتوایی، تکرار بیش از حد رویدادها، برجسته‌سازی را مشخص می‌سازد. رویدادهایی وجود دارند که نه از ارزش خبری برخوردارند و نه برای مخاطبان مهم تلقی می‌شوند، ولی در این موارد تکرار به‌اندازه‌ای است که رویداد مورد نظر جنبه تبلیغی پیدا می‌کند» (شکرخواه، ۱۳۷۴).

در این پژوهش، متناسب با موضوع و وجوه مختلف ارتباطات، نظریه برجسته‌سازی با دیدگاه‌های کاربردی زیر مورد استفاده قرار گرفته است: از دیدگاه فرستنده یا رسانه مورد بررسی، برجسته‌سازی به‌عنوان فرایندی رویدادمحور مورد نظر قرار گرفته که در آن رسانه سعی می‌کند از طریق گزینش اخبار و اولویت بندی آنها بر اساس اهمیت خبر واقع شده تأثیر مورد نظر خود را بر مخاطب بگذارد. از دیدگاه پیام و محتوایی، برجسته‌سازی به‌عنوان فرایندی روندمحور با اولویت‌بندی‌های چون تکرار رویدادها، تحلیل‌ها و تصویر سازی‌های رسانه‌ای در ارزش‌گذاری آنها که می‌خواهد ذهن مخاطب را با خود همراه می‌سازد این قسمت بیشتر در قالب مباحث پروپاگاندا و جنبه‌های تبلیغی می‌تواند تصور شود و به قول والتر لپین در کتاب افکار عمومی «رسانه‌های خبری منبع اولیه تصورات موجود در ذهن ما هستند» (Lippman, 1992). در این شرایط، تصویر ذهنی مخاطب از واقعیات، متفاوت از واقعیات است و در واقع

تصویری رسانه‌ای است. سخنی که مبنای به‌وجود آمدن نظریه برجسته سازی توسط مکس مک کامبز^۱ شد.

استفاده از این نظریه در این تحقیق، در زمینه چگونگی اهمیت‌دادن به یک موضوع است و ملاک آن میزان تکرار در متن مطالب است به این معنی که موضوعی که در زمان‌های مختلف تکرار و گزارش می‌شود، دارای اهمیت بیشتری نسبت به متن خبری است که تنها به‌صورت اتفاقی انعکاس می‌یابد. آن تکرار به مفهوم برجسته‌کردن و اولویت‌دادن و در نتیجه ساختن یک تفکر است.

مروری بر تاریخ روزنامه‌نگاری فارسی در هند

مطالعه روزنامه‌نگاری کشورهایی چون مصر و هندوستان نشان می‌دهد به‌دلیل شرایط اجتماعی - سیاسی حاکم بر آنها این کشورها زودتر از ایران فرایند چاپ و انتشار روزنامه را تجربه کردند. همین پیشی گرفتن باعث شد تا روزنامه‌نگاران و دست‌به‌قلمان ایرانی که در صدد انتشار روزنامه بودند، فضای خارج از کشور را برای انتشار روزنامه مناسب‌تر تشخیص دهند و در نتیجه، روزنامه‌های فارسی برون مرزی در هند، ترکیه و مصر زودتر از روزنامه‌های داخلی شکل گرفتند. دلایلی چون وجود محله‌های پرجمعیت ایرانی در این کشورها، موانع سیاسی و فرهنگی داخلی، فقدان امکانات لازم برای چاپ در داخل و رویکرد حاکمان نسبت به حرفه روزنامه‌نگاری از علل دیگر انتشار روزنامه‌های فارسی‌زبان در خارج از ایران بود. مقایسه محتوای روزنامه‌هایی مانند «حبل‌المتین» که مدتی برون مرزی و مدتی درون مرزی انتشار یافتند، نشان می‌دهد که عوامل سیاسی نیز برای برون مرزی شدن روزنامه‌ها تأثیر داشته است.

ورود صنعت چاپ در سده هفدهم به هندوستان، رسمی بودن زبان پارسی در این کشور و پیشرفته بودن نوع حکومت هند، دستمایه‌ای شد تا نخستین روزنامه‌های پارسی زبان در هندوستان انتشار یابند. در این خصوص محقق تاجیک ق. رسولیان می‌نویسد: «تا آغاز نشر روزنامه صرف فارسی در هندوستان چندین روزنامه چند زبانه که یکی از زبان‌های آنها فارسی بود منتشر می‌شد. در سال ۱۷۸۰ روزنامه مشهور «هیگز گزت» در شهر کلکته بنگاله مطالبی به زبان فارسی منتشر کرد. بعد از آن روزنامه هندی انگلیسی «بنگال گزت» (۱۷۸۰-۱۸۸۲)، «ایندیا گزت» (۱۷۸۴-۱۸۴۳)، «کلکته گزت» (۱۷۸۴-۱۷۹۲) و «واله» (۱۷۹۱-۱۷۹۴) به چاپ ستون‌ها و صفحه‌هایی به زبان فارسی پرداختند» (رسولیان، ۲۰۱۱).

¹ Max McCombs

ستون‌های فارسی نشریات غیرفارسی هند تاریخ پیدایش و خصویت خود را دارند مانند هفته‌نامه «بنگال گزت» که توسط جیمز آگوستوس هیکلی در سال ۱۷۸۰ میلادی انتشار یافت. این هفته‌نامه بعدها با نام دیگر «کلکته جنرال ادورد تایزر» به صورت روزانه منتشر شد، اما این روزنامه چنانچه نور علی اف می‌نویسد: «تنها برای جمعیت اروپائیان بود و خوانندگان این روزنامه خدمتگزاران شرکت آست ایندیا^۱ بریتانیا بودند. نور علی اف از قول نیک ارمشکین و سوچکا نویسنده کتاب چاپ، رادیو و لویزیون هندی، می‌نویسد: این روزنامه توسط حکمرانان انگلیسی برای از بین بردن تأثیر روزنامه‌های ملی چاپ می‌شده است» (نور علی اف، ۲۰۰۱).

برخی محققان پیدایش نخستین متن فارسی در هند را به چاپ یک آگهی^۲ در نشریه «ایندیانا گزت» در سال ۱۷۸۱ می‌دانند. این نشریه در ۸ صفحه چهار ستونی و گاه دو ستونی به زبان انگلیسی بود که یک تا دو صفحه به مطالب فارسی اختصاص می‌داد. دیگر سابقه نشر فارسی در «کلکوتا گزت» نشریه رسمی انگلیسی زبان است که تا دسامبر ۱۷۹۲ در قطع ۱۵ در ۲۵ و ۲۹ در ۳۰ به چاپ می‌رسید.

از چهار ستون فعال نشریه، تنها یک ستون به زبان فارسی اختصاص داشت که بیشتر آیین‌نامه‌ها، احکام و فرمان‌ها، آگهی‌های خصوصی، شعرهایی از دیوان حافظ و آثار سعدی و ترجمه‌های انگلیسی و خبرهای خارجی بود و این نشریه در سال ۱۸۱۵ به «کاورمنت گزت» تغییر نام داد و به موضوعات خبری خود علاوه بر موارد ذکر شده اخبار دهلی و قلعه سرخ یا همان مرکز حکومت را اضافه کرد.

به تعبیر نورعلی اف محقق تاجیک: «اولین گزت‌های ملی به زبان بنگالی نشر گردیدند سال ۱۷۲۲ گزت بمبی سماچار (نوگرایی بمبی) به زبان کجراتی منتشر شد که از جمله قدیمی‌ترین روزنامه هندی به‌شمار می‌آید» (نور علی اف، ۲۰۰۱). در برخی از منابع ذکر شده است که نخستین روزنامه مستقل هند «هندوستانی» یا «اخبار هندوستان» می‌باشد که در سال ۱۸۱۰ میلادی ۱۲۲۵ هجری قمری در کلکته منتشر می‌شد. ناشر آن مولوی اکرم علی نام داشته اما از این نشریه هیچ نسخه‌ای در دست نیست و منابع برای آن اندک است» (نور علی اف، ۲۰۰۱).

دومین روزنامه سراسری فارسی هند نشریه هفتگی «مرآت الاخبار» است (آیینه اخبار) که در کلکته از ۲۰ آوریل ۱۸۲۲ تا اگوست ۱۸۲۳ روزهای جمعه منتشر می‌شد. مؤسس این

^۱ ASSET INDIA

^۲ این نظر که پیدایش نخستین متن فارسی در هند مربوط به چاپ یک آگهی در نشریه «ایندیانا گزت» در سال ۱۷۸۲ است. صحیح نیست. اولین رد پا در نشریه «هیکیز گزت» در چاپخانه «هند شرقی» به سال‌های ۱۷۸۰ تا ۱۷۸۲ است که آیین‌نامه‌ها یا احکام دولتی را در برخی صفحات خود به زبان فارسی منتشر می‌کرد.

نشریه، راموهان روی مردی از بنگال بود. او در نخستین شماره از «مرآت الاخبار» ضمن اشاره به اهمیت و جایگاه زبان فارسی در کشورش تأکید می‌کند برای ترویج افکار خود ناگزیر از انتشار روزنامه به فارسی است، چون مردم درک بهتری از آن دارند.

تأسیس «مرآت الاخبار» توانست در استقرار روزنامه‌های فارسی‌زبان در هندوستان، نقطه عطفی محسوب شود. این نشریه توسط بازرگانان، مسافران و مأموران دولتی به ایران راه یافت و پس از یکسال انتشار، به دلیل اعتراض به سانسور و محدودسازی مطبوعات خواستار تعطیل آن شد.

پس از این نشریه، جام جهان نما بود که در سال ۱۸۲۲ نخستین شماره خود را به زبان اردو به چاپ رسانید و در شماره سوم ویژه‌نامه‌ای به زبان فارسی منتشر کرد که بعدها به دلیل اقبال عمومی کم‌کم جای نسخه اردو زبان را گرفت و نیم قرن به فعالیت خود ادامه داد.

در بین سال‌های ۱۸۲۲ تا ۱۸۳۷ میلادی زمانی که در هیچ یک از سرزمین‌های فارسی‌زبان روزنامه‌ای منتشر نمی‌شد، در هند نزدیک به ۹ روزنامه کاملاً فارسی و پنج روزنامه دو یا چند زبانه که یکی از زبان‌های آن فارسی بود؛ منتشر می‌شد که ۷ نشریه پس از سال ۱۸۳۷ انتشار خود را ادامه دادند. به‌طور میانگین در هر سال، دو روزنامه فارسی‌زبان در این کشور به چاپ رسیده است. از ۱۴ عنوان روزنامه سه عنوان «اکره الاخبار»، «زیده الاخبار» و «اخبار لودیه» بیرون از بنگال چاپ می‌شد. در آن زمان کلکته پایتخت بنگال به تنهایی محل انتشار ۱۰ روزنامه بود

سید فرید قاسمی محقق تاریخ مطبوعات در ایران می‌نویسد: «طی یک و نیم قرن فاصله زمانی بین نشر نخستین ستون فارسی در مطبوعات جهان تا انقراض حکومت قاجاریه بیش از ۲۰۷ عنوان نشریه فارسی‌زبان برون مرزی در ۱۸ کشور جهان انتشار یافته است که هندوستان با دارا بودن ۶۵ عنوان در ۱۰ شهردر صدر آنها قرار دارد. شهر کلکته با ۲۸ عنوان بیشترین میزان و پس از آن بمبی با ۱۲ عنوان، دهلی با ۶ عنوان، حیدرآباد با ۴ عنوان و شش شهر دیگر هم هر کدام انتشار یک نشریه را بخود اختصاص دادند (قاسمی، ۱۳۸۰).

از سال ۱۸۳۷ تا ۱۸۷۴ میلادی با وجود مقابله استعمار انگلیس^۱ با مطبوعات در هند نزدیک به ۱۸ روزنامه و مجله به زبان فارسی انتشار می‌یافت. در آن دوره در ایران ۱۲ و در افغانستان یک نشریه به زبان فارسی منتشر می‌شد و در ایالات بخارا، روزنامه‌ای وجود نداشت.

۱ سال ۱۸۳۷ میلادی شرکت هند شرقی قانون شماره ۲۱ پیرامون زبان بومی را تصویب و این‌گونه اعلام کرد که از این پس زبان رسمی کشور هند زبان انگلیسی خواهد بود و کار برد زبان فارسی ممنوع است.

تأثیر متقابل روزنامه‌نگاری فارسی ایران و هندوستان

۱۵ سال پس از انتشار روزنامه «مرآت الاخبار» در کلکته، نخستین نشریه ایرانی به همت میرزای شیرازی منتشر شد. این نشریه که کاغذ اخبار نام داشت تنها سه سال پس از انتشار دوام یافت.

روزنامه‌نگاری فارسی در هندوستان و ایران بر یکدیگر تأثیرات متقابلی را داشتند. از نظر اندیشه‌ای، افرادی چون مولوی محمدباقر، مدیر نشریه اردو زبان دهلی که با چاپ مقاله‌های انتقادی موجبات روشننگری افکار عمومی را در جنبش استقلال‌طلبانه هندوستان فراهم کرد و یا نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در این جنبش به گونه‌ای که جواهر لعل نهرو اولین نخست‌وزیر هند (۱۸۸۹-۱۹۶۴) و یکی از بزرگ‌ترین رهبران جنبش استقلال‌طلبی هندوستان به دلیل تأثیرات قلم و اندیشه او را به‌عنوان بزرگ‌ترین اصلاح‌طلب قرن ۱۹ معرفی می‌کند و در مقابل روزنامه‌نگاران هند نیز در عصر انقلاب مشروطیت اصلی‌ترین مکان برای مطبوعات انتقادی محسوب می‌شد. تأثیرات متقابل از نظر ریشه‌های تاریخی روزنامه‌نگاری می‌توان در سنت‌های نوشتاری هر یک از دو کشور بررسی کرد.

پیش از پدیدآمدن روزنامه در هند، سنت نوشتاری به‌عنوان اخبارات در این منطقه از دیرباز وجود داشت. «اخبارات» شکل تحول‌یافته واقع‌نویسی یا واقع‌نگاری در دربار ایران بود که از آنجا به درباریان هند راه یافت و با ویژگی جامعه‌ای دیوانی آنجا هماهنگ شد. به قول ناصرالدین پروین واقع‌نویسی در دربار هند افزون بر وظیفه ثبت و ضبط واقعه کشوری و لشگری مسئولیت‌های دیگری برعهده داشت که کیفیت حرف‌های آن به روزنامه‌نگاری نزدیک است.

وقایع‌نویس به‌ویژه موظف بود «تعلیقه» یا اخبار رسمی روزانه را تکثیر کند. «اخبارات» نام نسخه‌ای از هر تعلیقه بود که در اواخر حکومت بابریان هند، به تقلید از «نیوز» انگلیسی، مصطلح شد. صدها نسخه از «اخبارات» تهیه شده در دربار، بی‌درنگ، برای هر یک از حکام و صوبه‌داران (استانداران) و سران لشکر در سراسر هند فرستاده می‌شد (پروین، ۱۳۷۷).

تعلیقه‌نویسان و کارگزاران «اخبارات»، پیشگامان روزنامه‌نگاری فارسی و اسلامی در هند به‌شمار می‌آیند. این روزنامه‌ها تقلید صرف از روزنامه‌نگاری اروپایی نبودند، بلکه شکل تحول‌یافته «اخبارات» بودند (پارتاساراتی، ۱۳۸۸).

روی دیگر تأثیر این دو شیوه روزنامه‌نگاری در ریشه‌های تاریخی نشر مطبوعات عقیدتی در کشور هند بود. روزنامه‌های اسلامی از دهه ۱۲۴۶ق- ۱۸۳۰م پدید آمدند. نخستین

روزنامه‌نگاران مسلمان هند از روحانیان بودند، کسانی چون مولوی اکرام علی، ناشر هندوستانی، مولوی سراج‌الدین احمد لکهنوی، ناشر آینه اسکندر و شیخ‌علی ملا، ناشر سماچار- سوراچ اندرو. این جراید عمدتاً فارسی و بر پاسداری از اسلام تأکید می‌کردند (پروین، ۱۳۷۷). هفته‌نامه «سماچار- سوراچ اندرو»، به زبان بنگالی و فارسی بود و بین سال‌های ۱۲۴۶ تا ۱۲۵۱ق/ ۱۸۳۰- ۱۸۳۵م منتشر می‌شد. «آینه اسکندر»، روزنامه خبری سراسر فارسی، با گرایش مذهبی بود که از سال‌های ۱۲۴۷ق - ۱۸۳۱م در کلکته منتشر شد (پروین، ۱۳۷۷). نشریاتی حتی با زمینه‌های سیاسی نیز اغلب توسط روشنفکران مذهبی انتشار می‌یافت.

روزنامه «حبل‌المتین» و تأثیر آن در روزنامه‌نگاری ایران

فریدون آدمیت در کتاب خود ضمن اشاره به ملاقات سیدجمال‌الدین اسدآبادی، میرزا ملکم و مؤید الاسلام، در بندرعباس می‌نویسد: «آنان به این نتیجه می‌رسند که اگر می‌خواهیم به ملت ایران کمکی بکنیم، باید زبان گویای مردم داشته باشیم، باید روزنامه داشته باشیم. لذا تصمیم می‌گیرند سیدجمال اسدآبادی، روزنامه «عروة‌الوثقی» را در پاریس، میرزا ملکم، روزنامه «قانون» را در لندن و مؤیدالاسلام در هند هر روزنامه‌ای که دلش خواست، منتشر کنند. مؤید الاسلام، پس از عزیمت به بمبئی؛ تجارتخانه تأسیس و روزنامه‌ای هم به زبان انگلیسی چاپ می‌کند (آدمیت، ۱۳۸۸). سپس او پنج روزنامه در هند منتشر می‌کند که «مفتاح‌الظفر» به زبان فارسی و «حبل‌المتین» به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر می‌شدند (ناصری، ۱۳۸۸). «حبل‌المتین» فارسی در اوایل کار، ۱۵۰۰ نسخه را در دستور کار داشت و در دوره مشروطه تا ۲۵ هزار نسخه هم چاپ شد. بعدها مؤیدالاسلام به‌عنوان سرمایه‌گذار، روزنامه «حبل‌المتین» را در تهران و با مدیریت میرزا حسن کاشانی منتشر کرد. شمارگان این نشریه در سال اول ۲۸۴ شماره، در سال دوم، ۵۴ شماره و سال سوم آن مصادف شد با به توپ بستن مجلس شورای ملی و فرار میرزا حسن از تهران و بازگشت به هند، البته او بعدها به رشت آمد و ۶۳ شماره دیگر از این روزنامه را در رشت منتشر کرد (ناصری، ۱۳۸۸).

به‌دلیل مطالب تند و ضد سلطه این روزنامه، انگلیسی‌ها نمی‌خواستند «حبل‌المتین» از کلکته به موقع دست ایرانی‌ها برسد و به مدت شش سال، اجازه ارسال «حبل‌المتین» به تهران را نمی‌دادند، لذا در ارسال آن به سمت بوشهر تعلل می‌کردند. مردم روزنامه‌ها را در کیسه‌های آرد و بشکه‌های نفت و بسته‌های چای گذاشته و ارسال می‌کردند. حاجی زین‌العابدین تقی‌آف سرمایه‌دار نفتی مسلمان اهل باکو با خرید دو کشتی سریع‌السير در مسیر ایران و هند و بالعکس، امکان توزیع به موقع روزنامه «حبل‌المتین» را در ایران فراهم کرد (ناصری، ۱۳۸۸).

بر اساس این مطالعات، می‌توان عنوان کرد که عوامل ورود روزنامه‌های فارسی‌زبان هندوستان به ایران به‌ویژه «حبل‌المتین» تابع عوامل سخت افزاری (مادی و فیزیکی) چون قدمت و توانایی ابزاری نشریات هندوستان از نظر دارا بودن چاپخانه‌ها، چاپ و نشر مطبوعات و کتب سودمند متعدد به زبان فارسی و ایجاد مؤسسات فرهنگی و احاطه مدیران نشریات بر علوم و فنون مختلف زمان خود بوده است و همین امر موجب شده بود تا ورود روزنامه‌ها به ایران نه تنها عادی، بلکه ضرورت یابد در این دسته عوامل، روش‌های تبلیغی چون پخش رایگان به مدت ده سال متوالی در دورانی که روزنامه‌ها در ایران بسیار گران بودند و تبلیغ نشریات با به‌کارگیری جاززان (یعنی افرادی در جمع‌های مختلف مردم، درویشان، اصناف و... که وظیفه روخوانی روزنامه را داشتند) را می‌توان نام برد.

روش پژوهش

روش بررسی این مقاله برای پاسخ‌گویی به سؤالات یادشده، علاوه بر روش مطالعه کتابخانه‌ای، تحلیل محتوای متن به روش عرفی^۱ با استفاده از مرور پیام‌ها و درک موضوعی هریک از آنهاست. تحلیل محتوای عرفی معمولاً در مطالعاتی به‌کار می‌رود که هدف آن شرح یک پدیده است. در اینجا از مقوله‌های پیش‌پنداشته، پرهیز شده و محقق با استفاده از مرور پیام‌ها و درک موضوعی هریک از آنها تحلیل را انجام داده است. تحلیل در اینجا بر پایه متن‌های مورد مطالعه در شماره‌های موجود و مقایسه آنها با متن‌های نمونه قرار دارد. از آنجا که موضوع مورد بررسی از طرفی موضوعی حرفه‌ای در حیطه روزنامه‌نگاری است و از طرف دیگر به موضوع‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و حتی ادبیات و فرهنگ گره خورده است، تلاش شد تا در عمل با چندین بار مرور مطالب (متن خوانی) در نمونه مورد بررسی از نظر علمی و عملی (تجربه‌های قدیمی) موضوع مورد اشاره تحلیل و بررسی می‌شود.

در این پژوهش، به‌منظور فراهم‌کردن امکان پاسخ‌گویی به سؤالات بیش از یک واحد تحلیل توصیف و تبیین شده است. در ابتدا به‌منظور بررسی شکل ظاهر روزنامه‌ها کل صفحه روزنامه برای واحد تحلیل پیش‌بینی شد و واحد تحلیل دیگر برای بررسی محتوای روزنامه‌ها عبارات در متن هر مطلب (واحد معنا) انتخاب شد. در بخش اول تنها نحوه انعکاس مطالب از نظر شکلی و جایگاه قرارگیری آن مشاهده و ثبت و در بخش دوم مطالب متن‌خوانی، سپس ساده‌سازی، تلخیص و فشرده شد.

۱ برگرفته از نظریه شی‌یه و شانون که رهیافت‌های تحلیل محتوا را به سه دسته عرفی، جهت دار و تلخیصی تقسیم می‌کنند.

آنچه در این پژوهش به‌عنوان متغیر یا مقوله مورد بررسی بود شکل ظاهر نشریه از نظر ستون‌بندی و صفحه‌چینی، سر‌عنوان‌ها و سطح زیر چاپ (تعداد ستون‌ها و صفحات هر مطلب) و در بخش محتوایی سبک‌ها، موضوعات و جهت‌گیری‌های انجام‌شده در مطلب بود. نمونه مورد بررسی برای مطالعه با توجه به در دسترس بودن برخی از نسخه‌های «حبل‌المتین» کلکته، عاملیت این نشریه در انتقال جریان روشنفکری خارج از ایران به داخل (نماینده روزنامه‌نگاری اندیشه‌ای) و انتشار طولانی مدت آن، مجموعاً ۱۰ شماره موجود از این روزنامه و همچنین محدود شمارگان موجود نشریه «احسن‌الاخبار و تحفه‌الاخبار»^۱ به‌دلیل مشی دولتی از روزنامه‌های منتشره در هند انتخاب شدند و نمونه‌های ایرانی مطالعه شده برای تطبیق محتوا، ۵ شماره از نشریه «وقایع اتفاقیه» و به‌صورت محدود به‌عنوان ادامه وقایع، دولت علیه ایران (مشی دولتی) و ۵ شماره از نشریه «صوراسرافیل» (مشی اندیشه‌ای) را شامل می‌شدند.

به‌دلیل ماهیت کار و قدیمی بودن نشریات، تمامی شمارگان نمونه‌گیری در دسترس مورد بررسی قرار گرفت و با رسیدن به اشباع نظری با تکرار و مشابهت داده‌ها در بخش بررسی واحد معنا، قریب بر بیش از ۵۰۰ عبارت از متن نمونه‌ها استخراج و در جداول واحدهای معنا قرار گرفت و از آنها واحد معنای فشرده‌شده و کدهای مربوطه در روش عرفی استخراج شد.

یافته‌های پژوهش

شکل ظاهر

مطالعات این پژوهش نشان داد از نظر شکل ظاهری از سال اوّل تا سال ششم، روزنامه «حبل‌المتین» به خط نستعلیق چاپ و از سال ششم به بعد، یعنی سال هفتم، هشتم و نهم با حروف چاپی، منتشر کردند. بررسی‌ها نشان داد نشریه از سال سوم با سه ستونه کردن صفحه‌آرایی خود حداقل با ۱۹ عنوان مطلب منتشر می‌شد.

نشریه «حبل‌المتین» فاقد سرعنوان برای مطالب است و هر مطلب توسط تیتیر یا عنوان خود مطلب؛ از مطلب دیگر جدا می‌شود. در بررسی روزنامه وقایع اتفاقیه دقیقاً همین مسئله در مورد روزنامه‌های اولیه ایران اتفاق افتاده است روزنامه وقایع اتفاقیه بدون سر عنوان و

۱ «احسن‌الاخبار و تحفه‌الاخبار» در سال ۱۸۴۴ میلادی در کلکته منتشر شد، این نشریه اولین نشریه بمبئی و نخستین نشریه ایرانی‌تباران در شبه قاره هند می‌باشد که توسط میرزا محمود خراسانی چاپ شده است. این روزنامه از سیاست انگلیس و رفتار مردم آن انتقاد می‌کرد. به‌همین دلیل وزیر مختار بریتانیا در تهران به وزیر خارجه‌اش نامه نوشت و پیشنهاد کرد از ارسال «احسن‌الاخبار» به ایران جلوگیری شود.

مطالب با تیترهای کلی چون: احوالات دول خارجه، اخبار دارالخلافه، اعلان، احوالات متفرقه از هم جدا می‌شوند. از نمونه اخبار داخله بدون تیتر در روزنامه وقایع اتفاقیه: «از تبریز نوشته‌اند که در روز جمعه دهم شهر جمادی‌الأول دو ساعت از ظهر گذشته زلزله شده بود چندان خرابی نکرده اما بسیار!! سخت بوده و در یازدهم هوا بسیار سخت و سرد گردیده برف و بوران شدید شده بود بطوریکه هیچ‌کس یاد نداشته که درین سنوا هوای آنجا بدین مرتبه سرد شده باشد...» (ش ۸ ص ۲).

پیرامون چگونگی صفحه‌آرایی و چینش مطالب در روزنامه‌نگاری فارسی در هند و ایران نتایج بررسی متون نشان داد از نظر شکلی در دید اولیه شباهت ظاهری نشریات فارسی در هند و ایران کاملاً ملحوظ است و استفاده از خط نستعلیق در انتشار روزنامه‌های فارسی در هند و ایران نشان از مشابهت آنهاست سرلوحه روزنامه‌های فارسی در هند و ایران اغلب شیر و خورشید و ستاره است. مصور نبودن و یا کم‌تر توجه کردن به تصویر در روزنامه‌های ایران خود نوعی تأثیر و تقلید از روزنامه‌های فارسی در هند است، در صفحه‌آرایی روزنامه‌ها در هر دو نمونه مورد بررسی چینش ستون‌ها و تقسیم بندی و تنوع بخشی مطالب تقریباً شبیه به یکدیگرند. روزنامه اغلب دو و سه ستونه چینش می‌شد. مشابهت اهداف روزنامه‌ها که در سخن‌آغازین نشریات در هند و ایران برای اعلام خط مشی و هدف انتشار ذکر شده بود اغلب بعد آموزشی و انعکاس نقش مطبوعات در آگاهی دهی و تربیت مردم بود.

محتوای مطالب

آنچه از مطالعه مطالب این نشریه بر می‌آید مؤید الاسلام، با چاپ و انتشار روزنامه می‌خواست ایرانیان را با سرنوشت خودشان و وضع کشور آگاه کند. او هر هفته مقالات ۲۰ صفحه‌ای و یا ۱۲ صفحه‌ای می‌نوشت. در هر ماه، چهار شماره چاپ می‌شد و هر کدام از شماره‌ها نیز ۲۴ یا ۲۸ صفحه داشت. این مقاله‌ها در مورد وضع ایران، اقتصاد و مشکلات این کشور نوشته می‌شد. مابقی مطالب هر شماره روزنامه را اخباری پر می‌کرد که از طریق تلگراف به دفتر و اداره روزنامه «حبل‌المتین» مخابره شده است.

همچنین بررسی محتوایی «حبل‌المتین» نشان داد این نشریه ابتدا با عناوین محدود در حد سه عنوان شروع به کار کرد. شماره‌های اول شامل سرمقاله و حداکثر دو مطلب ترجمه و یا یادداشت بود از شماره دوم و سوم اخبار داخلی و خارجی وارد متن روزنامه شد به ترتیبی که اخباری از لندن، لاهور با دارابودن ارزش خبری برخوردار شدند مثلاً سانحه برای یک کشتی بخار (ش ۳ ص ۳) یا حریق سهمناک در قهوه‌خانه (ش ۳ ص ۳). در این نشریه مکتوبات

شهری مربوط به نامه خوانندگان و مخاطبان می‌شد که اکثر آنها با پاسخ مسئولان نشریه همراه بود (ش ۴ ص ۳ و ۴). نامه خوانندگان در ستون مربوط به مراسلات بی‌کم و کاست چاپ و ظاهراً مسئولان نشریه خود را ملزم به پاسخ‌گویی می‌کردند. به‌طور مثال در یکی از شماره‌های این نشریه در پاسخ به یک نامه خواننده که با انتقادات تندی آنها را زیر سؤال برده بود می‌نویسد: «حبل‌المتین بعضی از نواقصات ایران را که بقول اوشان عیبجوئی است را بیان می‌کند... اگر ما نوشته‌ایم از راه دلسوزی است... آن بیچاره نویسنده که عیوب مملکت را نوشته اعلان به دیگران است...» (سال ۳ ش ۳ ص ۱۰).

از نظر محتوایی آنچه در بررسی نشریه به چشم می‌خورد مانند جامعیت خبری به دلیل در اختیار داشتن خبرنگاران اختصاصی در قسمت‌های مختلف جهان، نگارش اخبار به زبان ساده و روان، محتوای مذهبی و همخوانی با تفکرات ایرانی‌ها، محتوای انتقادی برای کمک به جامعه منتقدین ایران، شکستن محدودیت‌های سیاسی آن زمان با مقالات روشنگرانه، ضداستعماری و بیگانه‌ستیزانه، که می‌توان این موارد را عامل ورود این نشریات در جامعه تحت سانسور ایران دانست. در گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطیت آمده است: «رویکرد حبل‌المتین به وقایع آن دوره ایران، موافقان و مخالفان بسیاری داشت سر سبیل اسپرینگ رایس در گزارشی به سر ادوارد گری می‌نویسد "از جمله جرایدی که در طهران شیوع تامه دارد روزنامه حبل‌المتین است که در کلکته به طبع می‌رسد این روزنامه از زبان ملت سخن می‌گوید و گاهی اوقات بر ضد خارجه مطالبی می‌نویسد..."» (بشیری، ۱۳۶۲).

سرمقاله

سرمقاله، جزء جدایی‌ناپذیر نشریه «حبل‌المتین» در هندوستان و ایران بود محتوای اغلب سرمقاله‌ها سیاسی و در مخالفت با استبداد بود. در شماره ۶ نشریه در سال اول صفحه ۱ در یک متن انتقادی به وضع موجود می‌خوانیم: «حالا چرا باید استبداد کرد؟ خود و خلق را بعد از انداختن گویا جهت عقلانی نداشته باشد مگر آنکه روسا اطفال خود را از کوچکی به جباری و استبداد عادت و تربیت می‌دهد...»، از نظر محتوایی سال‌ها بعد در نشریه «صور اسرافیل» چاپ تهران این شیوه نقد را در سرمقاله‌ای با عنوان «دو کلمه خیانت» مشاهده می‌کنیم: «علیحضرتا پدر تاجدار، آیا هیچ تاریخ ژول سزار روم را می‌خوانید؟ آیا حکایت شارل پادشاه انگلیس را به‌خاطر می‌آورید؟ آیا قصه لوئی شانزدهم را به‌نظر دارید؟ آیا قتل جد تاجدار بزرگوار خود را متذکر می‌شود؟...» (ش ۱، ص ۱).

در پاسخ به تأثیرگذاری روزنامه‌نگاری فارسی هند بر روزنامه‌نگاری ایران و مشابهت‌های آنها یافته‌ها نشان داد نوع نگارش، دیدگاه‌ها و برجسته‌سازی اخبار در نشریات ایران بیشتر برگرفته از شرق است و ملحوظ‌بودن نقش و نفوذ انتشار روزنامه‌ها در شرق به‌ویژه کشور هندوستان در نوع محتوا و اندیشه‌های حاکم بر روزنامه‌نویسی در ایران کاملاً مشهود است.

در نگاه اول در برجسته‌سازی رویدادهای خبری می‌توان بر اساس محتوای مطالب انواع تیترهای مختلف را در سرمقاله‌ها و مطالب تحلیلی دیگر یافت. تیترهایی که حتی امروزه در روزنامه‌های ایران می‌توان نمونه‌های آن را دید. از جمله انواع تیترهای یافت شده در نشریه «حبل‌المتین» کلکته می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تیترهای سوالی: ناخوشی ایران چیست؟ (ش ۳ ص ۱)، دنیا مال کیست؟ (ش ۴ ص)، استبداد چیست و مستبد کیست؟ (ش ۶ ص ۱)، دلیل چیست که کارهای ایران منظم نمی‌شود؟ (ش ۶۷ ص ۱).

تیترهای استنباطی: آبادی مایه آزادی است (ش ۸ ص ۱)، استبداد در لباس مشروطه (ش ۱۷ ص ۱)، فراریک خائن (ش ۳۲ ص ۱).

تیترهای غیرمتعارف: نامردان بی‌غیرت و بی‌درد بی‌حمیت (ش ۱۴ ص ۱)، مجسمه غیرت (ش ۳ ص ۱)، محاکمه حقیقت (ش ۳۴ ص ۱)، خدمت بزرگ (ش ۷۲ ص ۱) تیترهای تمثیلی: فکر نان باید کرد (ش ۱۲۳ ص ۱)، جمله عالم اکل و ماکول دان (ش ۹۵ ص ۱) هر دم از این باغ بری می‌رسد... (ش ۱۳ ص ۱).

از جمله شباهت‌های متنی روزنامه‌نگاری هند و ایران می‌توان به تأثیرگذاری و داشتن سهم عمده کلیدواژه‌ها، مفاهیم و کلماتی مدرن و نو اشاره کرد چون حقوق ملت و دولت، اتحاد و اتفاق، قانونی بودن، مزده و بشارت جامعه مدنی که در سرمقاله و مقاله‌های نشریات ویا تحلیل و تفسیرها دیده شده است (روزنامه صور اسرافیل شماره ۲۶: ۲). همچنین تلاش در جهت روشن ساختن افکار عمومی با شیوه‌های ترویج اسامی مستعار مثل مدافع وطن یا اساس ترقی، عاشق وطن و... انتشار مطالب انتقادی که گویای سختی‌ها، تلخی‌ها و سیاهی روزگار مردم ایران از دست مستبدان زمانه بود.

از جمله تأثیرات مهم مشاهده‌شده، شکل‌گیری تفکرات آزادیخواهانه است که نقش تأثیرگذار قلم‌زنان در روزنامه‌های هندی در بین قلمزنان ساکن ایران بود. در بررسی تأثیر نشریات منتقد و آزادی خواه منتشره در هند و ایران، مضامین مشابهی در طرح مسائل محتوایی آنها مشاهده شد. مضامینی چون صحبت‌کردن از زبان ملت ایران، آزادیخواهی و انتقاد از وضع

موجود ایران، انتقاد و آگاه‌سازی به شیوه پرسش و خطاب قرار دادن مسئولان وقت و مردم، پیشنهاد پیرامون حل مسائل و مشکلات از جمله این مواردند.

در ایران این نوع مطالب انتقادی و پرسش‌های مشخص در فضای بسته روزنامه‌نگاری به‌صورت کشاندن مخاطبان در یک مسیر مشخص نهضت روشنفکرانه، افزایش جسارت قلم‌به‌دستان ایرانی در افشای ظلم و فساد دربار ایران، بروز تفکرات مترقی خواهانه در بین مردم و روزنامه‌نگاران، مقدس خواندن این نشریات به‌ویژه «حبل‌المتین» توسط آزادی خواهان، استفاده از مطالب این روزنامه‌ها توسط روزنامه‌نگاران مشروطه خواه و ممنوع‌شدن ورود این نشریات به ایران به دستور اتابک اعظم، که نشان از حساسیت حکومت به این نشریه بود، تأثیر خود را نشان می‌داد.

خبرها

در بررسی نشریات صرفاً خبری - درباری و دولتی نیز موارد مشابه‌ای دیده شد. یافته‌ها نشان داد در این نشریات مطالب بیشتر بر تحول ساختارهای سنتی قدرت تأکید داشتند، نفوذ و هم‌رنگی از نظر نگرش در نوع نگارش دیده می‌شد به این معنی که در آنها کمتر بیان مشکلات و یا نقد بود و حتی خبرهای خارجی هم غیرسیاسی و خنثی بودند، نشریه محل اعلانات دولتی و خبرهای درباری و وقایع‌نگاری حکومتی بود. در بررسی اخبار نشریات «احسن الاخبار» و نمونه مقابل آن «وقایع اتفاقیه» نتایج نشان داد نقل خبر از قول مقامات، استفاده از اخبار دریافتی، نبود رویه تعریف شده در زمینه انعکاس اخبار، رویدادمداری و نبود توجه به روندها در انعکاس مطالب دیده می‌شود.

نمونه جدول واحدهای معنا، واحد معنای فشرده‌شده و کدها در پژوهش

واحد تحلیل معنا	واحد تحلیل فشرده‌شده	معنا (کد)
اعلی‌حضرتا پدر تاجدارا آیا هیچ تاریخ ژول سزار روم را می‌خوانید؟... آیا قتل جد تاجدار بزرگوار خود را متذکر می‌شود	انتقاد و افشای ظلم و فساد دربار ایران	انتقاد و آگاه‌سازی به شیوه پرسش و خطاب قرار دادن مسئولان
پیمانه مصائب ملت لبریز است.	بیداری مردم و آگاهی آنان	بروز تفکرات مترقی خواهانه در بین مردم و روزنامه‌نگاران
اعمال خود سرانه درباریان مرضی علاج ناپذیر	انتقاد و افشای ظلم و فساد دربار ایران	افزایش جسارت قلم به دستان ایرانی در افشای ظلم و فساد دربار ایران

ادامه نمونه جدول واحدهای معنا، واحد معنای فشرده شده و کدها در پژوهش

واحد تحلیل معنا	واحد تحلیل فشرده شده	معنا (کد)
این مردم آدم‌های پارسالی نیستند هر جا بروی حرف مجلس است.	بیداری. آگاهی مردم	بروز تفکرات مترقی خواهانه در بین مردم و روزنامه‌نگاران
ماها رعایای وطن پرست، شب و روز دعا می‌کنیم که وطن ما محفوظ باشد و شاهنشاه جمجاه اسلام ولو اینکه روزی هزار دفعه مارا بسوزانند پایدار باشد...	انتقاد به ساکت بودن و بی تفاوتی مردم در برابر ظلم و ستم مستبدان	انتقاد و آگاه سازی به شیوه خطاب قرار دادن و مردم
روساء اطفال خود را از کوچکی به جباری و استبداد عادت و تربیت می‌دهند	موروئی بودن استبداد و ظلم در ایران	افزایش جسارت قلم به داستان ایرانی در افشای ظلم و فساد دربار ایران
قانون شاخ و ندارد دم هم ندارد قانون آن است که بفرمایند... و تمام اجزای آن کار از وزیر جنگ تا نایب و دهباشی در تحت این قانون مساوی باشند	قانون در مورد همه افراد باید یکسان اجرا شود	ماهیت قانون و تساوی مردم در برابر آن
هان‌ای مردم خیلی نزدیک شده که پشیمان شوید... آن وقت دیگر پشیمانی سود ندارد و... سعی و تدبیر کارگر نشود.	مردم بایستی بیدار شوند و نسبت به وضع موجود عکس‌العمل نشان دهند چرا که وقت می‌گذرد	کشاندن مخاطبان در یک مسیر مشخص نهضت روشنفکرانه
روزی که شما غیر از ظلم و استبداد تصویری نمی‌کردید و بی‌خبر بودید، «حبل‌المتین» داد مشروطیت می‌زد و وقت خود را صرف پیشرفت... کتابچه قانون نشر می‌داد لزوم هیأت منصفه را می‌نوشت	بی‌خبری مردم و روشنگری نشریه در مسیر مشخص مشروطیت	کشاندن مخاطبان در یک مسیر مشخص نهضت روشنفکرانه
از زبان ملت سخن می‌گوید و گاهی اوقات بر ضد خارجه می‌نویسد	هویت تحلیلی و مردمی بودن و خبری بودن نشریه	حقوق ملت و دولت، تلاش در جهت روشن ساختن افکار عمومی

نتیجه‌گیری

روزنامه به‌عنوان رسانه مکتوب در دوره‌های مختلف تاریخی توانست در غرب و شرق موجب برقراری ارتباط بین حکومت‌ها و مردم از سویی و از سوی دیگر روشنفکران و قشر عادی جامعه شود. روزنامه و روزنامه‌نگار در جامعه، ستایشگر حکومت، تربیون آزاد روشنفکران، وسیله مقابله

با رسانه‌های مهاجم بیگانه، جریان ساز و انگاره ساز و بالأخره چشم و گوش ملت دیده شده‌اند. گاه نقش روزنامه‌ها بسیار پر اهمیت‌تر از اینها مطرح است.

علی‌رغم توسعه فناوری‌های ارتباطی و ورود روزنامه‌نگاری به دنیای مجازی و نظرات متفاوت در پایان یافتن عمر روزنامه‌نگاری چاپی، اما نمی‌توان اهمیت این رسانه را در رشد و گسترش و شکل‌دهی فرهنگ فکری و زبانی مردم کشورهای مختلف نادیده گرفت. آگاهی، تربیت، ادب و توسعه فردی و اجتماعی بک جامعه از متن این وسیله ارتباطی قابل لمس است. این پژوهش نشان داد در یک دوره زمانی، مطبوعات فارسی‌زبان هند در محتوا و نحوه نگارش، انتقال‌دهنده نوعی تفکر انقلابی در بین روزنامه‌نگاران ایرانی بوده‌اند و علی‌رغم رویکرد خبری خود با تحلیل‌ها و توصیه‌های مستقیم و غیرمستقیم تلاش داشتند مردم را نسبت به وضع موجود آگاه سازند.

تفکر غالب در ایران بیشتر به‌دنبال ترویج تقلیدی بودن روزنامه‌نگاری ایران از غرب است و در این زمینه ورود روزنامه به ایران را حاصل مجذوبیت افراد تحصیل کرده غربی می‌دانند که نقش روزنامه را در رشد و گسترش فرهنگ عمومی جوامع مشاهده کرده بودند (یوسف‌دهی، ۱۳۷۳).

برخی معتقدند حتی اهداف تأسیس روزنامه در ایران نیز برگرفته از هدف غرب بوده است و استناد آنان به این سخن آغازین روزنامه‌های ایران است که روشنفکران غرب رفته آن را از نشریات غربی گرفته و در اولین شماره کاغذ اخبار انعکاس دادند: «بر رأی صواب نمای ساکنین ممالک محروسه مخفی نماند که همت ملوکانه اولیای دولت علیه، معروف بر این گشته است که ساکنین ممالک محروسه تربیت شوند و از آنجا که اعظم تربیت آگاه ساختن از کار جهان است لهذا به حسب حکم شاهنشاهی، کاغذ اخباری متشمل براخبار شرقیه و غربیه در دارالطباعة ثبت و به اطراف واکتاف فرستاده خواهد شد» (یوسفی نیا، ۱۳۸۲). اما بررسی روزنامه‌نگاری فارسی در دیگر کشورها این نکته را روشن می‌سازد که لحن نوشتاری روزنامه‌های ایران و به تبع آن رسانه‌های امروزی در این کشور حتی شکل ظاهر آنها گرفته شده از روزنامه‌نگاری در شرق است شاید ورود روزنامه و تکنولوژی اولیه به‌دلیل تأخیر در کسب فناوری‌های نوین و نبود دانش کافی استفاده از آن؛ به نام یک تحصیل کرده غربی ثبت شده است، اما فرهنگ نگارش و نگاه روزنامه‌نگاران مانند: نبود تمایل و گرایش به رویدادها، روی‌آوری به خبر صرف و بی‌توجهی به فرایندهای خبری و نبود انگیزه و تلاش برای خروج از این قالب تاریخی و فرار از ساختار شکنی در کار حرفه‌ای، همه و همه نشان از زمینه‌های

تشابهات حرف‌های و سبکی در روزنامه‌نگاری ایران با کشورهای شرقی به‌ویژه روزنامه‌نگاری فارسی در هندوستان (که مورد مطالعه این نوشتار است) دارد و نمی‌توان تأثیرپذیری مطبوعات ایران از مطبوعات فارسی در هند، از نحوه پرداختن موضوعات و طرز تلقی مسئولان نشریات اعم از سردبیران، دبیران خبر، خبرنگاران و حتی مدیران را نادیده گرفت.

علی‌رغم مطالعات تاریخی بسیار که در متن به برخی از آنها اشاره شد با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود محققان در راستای شناخت بیشتر ساختارهای محتوایی و شکلی این رسانه قدمت دار و پی‌بردن به ریشه‌های فکری و اجتماعی آن در ادامه این پژوهش بررسی محتوای مطبوعات فارسی‌زبان مصر، قفقاز و مقایسه آنها با روزنامه‌های منتشره در ایران در سال‌های ابتدایی شکل‌گیری مطبوعات در این کشورها و همچنین مضامین به‌کار رفته، در سرمقاله‌های کنونی روزنامه‌های ایران و سرمقاله‌های اولیه در روزنامه‌های فارسی‌زبان در هند و ایران و مقایسه نحوه برجسته‌سازی موضوعات خبری در آنها را در دستور کار خود قرار دهند.

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۵) "امیرکبیر و ایران"، تهران: انتشارات خوارزمی. چاپ پنجم
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۸) "فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت"، تهران: نشر گستره، چاپ دوم
- براون، ادوارد (۱۳۳۷) "تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت"، ترجمه محمد عباسی، تهران: انتشارات معرفت .
- بشیری، احمد (۱۳۶۲) "کتاب آبی: گزارش های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس در باره انقلاب مشروطه ایران" (جلد اول ۱۷ دسامبر ۱۹۰۶ - ۲۸ نوامبر ۱۹۰۸)، تهران: نشر نو .
- پارتاساراتی، رانگاسوامی (۱۳۸۸) "روزنامه‌نگاری در هندوستان"، ترجمه داوود حیدری، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷) "تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان"، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- توکلی طرقي، عبدالحسین (۱۳۸۳) "سیر مطبوعات فارسی در هند"، کیهان فرهنگی، شماره ۲۲۰ ص ۶۳ - ۵۸.
- خانیکی، هادی (۱۳۹۰) "مطبوعات ایران از دوره قاجار تا انقلاب اسلامی به روایت هادی خانیکی"، گفتگو با ماهنامه نسیم بیداری، شماره ۱۵.
- رسولیان، قهار (۲۰۱۱) "تاریخ مطبوعات فارسی تاجیکی"، جلد اول، تاجیکستان، دوشنبه: انتشارات عرفان. (به زبان سرلیگ)
- رضوانی، محمد اسماعیل (۱۳۷۲) "تاریخ معاصر ایران" (کتاب اول)، تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم .
- شاکری، مجتبی. (۱۳۸۴). "رسانه‌های جمعی و انتخابات ریاست جمهوری". قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
- شکرخواه، یونس (۱۳۷۴) "خبر" تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های رسانه‌ها، چاپ اول.
- ططری، علی و روشن، افسانه (۱۳۸۸) "نامه‌ای نو یافته از موید الاسلام، مدیر «حبل‌المتین» کلکته"، پیام بهارستان، شماره ۵.
- قاسمی، سیدفرید (۱۳۸۰) "سرگذشت مطبوعات ایران"، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. جلد دوم.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۳۷) "قائم مقام، ابوالقاسم، منشات قایم مقام"، تهران: انتشارات ابن سینا، چاپ اول.

- لازارسفد، پل و برلسون، برنارد (۱۳۸۲) "چگونه مردم در انتخابات ریاست جمهوری تصمیم می‌گیرند". ترجمه: محمدرضا رستمی. تهران: همشهری. چاپ اول.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۷۵) "تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران"، تهران: موسسه انتشارات بعثت، چاپ دوم.
- ناصری، یوسف (۱۳۸۸) "روزنامه حبل المتین به روایت محمد گلبن"، مجله یاد، شماره ۹۱-۹۲. ص ۶۱-۹۵
- نور علی اف. عبدالواسط (۲۰۰۱) "تاریخ ژورنالیست کشورهای خارجی"، تاجیکستان، دوشنبه: انتشارات سروش.
- یوسف‌دهی، هومن (۱۳۷۳) "نقش روزنامه‌ها در رشد و گسترش فرهنگ عمومی"، مجله فرهنگ عمومی، شماره ۵، ص ۳۰-۳۳.
- یوسفی نیا، راضیه (۱۳۸۲) "پیدایش و تحول مطبوعات در ایران (از آغاز تا پایان مشروطیت)"، پیام بهارستان، شماره ۲۴، ص ۱۴-۹
- Ahan, A.A. (2008), "Historical study of Persian journalism in india. Dihli": Educational Publishing House.
- Aslam Sidiqi (1947), "Presian Press In India": indo-iranica, Vol 2, No2.
- Cohen, B. (1963), "The Press and Foreign policy": Princeton, NJ: Princeton university Press: ISBN.
- Lippman, W. (1922). "Public opinion": New York. Macmillan.
- Tahir, S. N. and Baloch, M. A. (2009), "War of Independence 1857 and the Role of Urdu and Persian Newspapers": Pakistani Journal of History and Culture National Institute of History and Culture, QAU, PP:25-4